

حزب بازی

بررسی ایجاد یک حزب جدید دیگر در جریان اصول گرا

اقدام به مجوز تاسیس برای ۳ حزب و پروانه آغاز فعالیت برای ۳ حزب جدید کرده است که یکی از آنها مورد جالب توجهی برای بررسی است؛ حزب تمدن نوین اسلامی که اخیراً و در پس جنگ با امضای هیات موسس، همسو با تندروترین های تشکل های اصولگرایی اقدام به انتشار بیانیه و واکنش به رخدادها کرده اند.

کشور قرار می گیرد، این خبر است که «در جلسه کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و تشکل های سیاسی، درخواست تأسیس حزب ... برای فعالیت در گستره جغرافیایی ملی تصویب شد.» به عبارتی خیلی به ندرت پیش می آید که جلسه کمیسیون ماده ۱۰ برگزار شود اما خروجی آن مجوز تاسیس حزب نباشد. به همین یک سال اخیر که نگاه کنیم، وزارت کشور



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

یکی از خبرهایی که هرچند وقت یکبار روی خروجی سایت وزارت



عکس: فارس

نگاه اصلاح طلب

افشین حبیب زاده فعال سیاسی اصلاح طلب:

شاهد تفکیک مرز تندروها با اصول گرایان واقع گرا هستیم

بسیار زیادی روبه رو هستیم، خصوصاً در مقطعی که گروهی از آنها قدرت را به دست می گیرند، شاهد افتراق بیشتری می شویم. به نظر می رسد این جدا بودن از هم و اختلاف نظرهایی که دارند، در شیوه ها و راهکارهای رسیدن به اهداف، وجود دارد. شاید به همین علت است که در زمان برگزاری انتخابات ها، این موضوع را می بینیم که جبهه های مختلفی در بین اصول گراها تشکیل می شود، در حالی که در جبهه مقابل که اصلاح طلبان هستند، کمتر شاهد این موضوع بودیم. به نظر من، ریشه اصلی به همان اختلافاتی برمی گردد که در بین اصول گرایان وجود دارد و بعضاً این اختلافات به قدری شدید است که منجر به این می شود که تعدادی از آنها به سمت تشکیل یک گروه و یا حزب جدید بروند. این اختلاف، در جامعه سال هاست مشهود شده است. بعضاً هم پیش می آید که اعلام می کنند بر سر یک موضوع مشخص اتفاق نظر دارند، اما زمان که می گذرد، نداشتن اتفاق نظر خودش را به نمایش می گذارد و می بینیم که حتی در خصوص همان موضوعی که به صورت مشترک بر سر آن اتفاق نظر پیدا کرده بودند هم اختلاف دارند و این اختلاف در کلام و عملکرد آنها به صورت کامل مشخص است. این تشکیل حزب جدید از سوی نزدیکان دولت قبل را در همین راستا می توان تحلیل کرد. برداشت من این است که این روند در بین اصول گرایان همچنان ادامه خواهد داشت. به عبارتی تا زمانی که آنها نتوانند به یک مبنای مشترک برسند و بر سر آن مبنای اختلافات را کنار بگذارند، این ماجرا دنباله دار خواهد بود. البته در اصلاح طلبان هم این اختلاف نظر وجود دارد اما میزان شکاف و اختلاف نظر، با اصول گرایان قابل مقایسه نیست. شاید بتوان گفت که اصلاح طلبان در این زمینه، چند قدم از اصول گرایان جلوتر هستند و به همان دلالی که اشاره کردم، توانسته اند یکدیگر را تحمل کنند، در کنار هم بنشینند و با یک هدف مشترک کار را پیش ببرند.

«در سال های پایانی دولت احمدی نژاد، ما شاهد تولد جبهه پایداری از دل دولت او بودیم و حالا نوبت به حزبی رسیده که یکی از چهره هایی که زمانی نزدیک به سید ابراهیم رئیسی بود، در رأس آن قرار دارد و پیش از آغاز به کار، بیانیه دادن با ادبیات تندروها را آغاز

«وقتی نگاهی به احزاب فعال در ایران می اندازیم، می بینیم که تعداد احزاب فعالی که در بین اصول گرایان وجود دارد، به اندازه انگلستان یک دست هم نمی رسد. علت کم بودن تعداد احزاب فعال در بین اصول گرایان را چه چیزی می داند؟

در کشور ما اگر بخواهیم جریانات کشور را به دو جریان چپ و راست یا همان اصلاح طلب و اصول گرا تقسیم کنیم، به تصور من، جریان تقسیم قدرت به این صورت است که اصول گراها خیلی احساس نیاز نمی کنند که برای کسب قدرت، نیاز به فعالیت حزبی داشته باشند. به عبارت دقیق تر، اصول گراها چه در انتخابات پیروز شوند و چه پیروز نشوند، چهره های سرشناس آنها، معمولاً جایگاهی را برای خودشان در قدرت مفروض می دارند، در واقع خیال شان از حضور در قدرت راحت است. این موضوع باعث شده که اصول گراها، خیلی علاقه به فعالیت حزبی نداشته باشند. اما در اصلاح طلبان، درست عکس این قضیه وجود دارد. اصلاح طلبان، تنها مسیری را که فراهم می بینند تا به قدرت دست پیدا کنند، از طریق رای مردم است و به همین علت تلاش می کنند که بتوانند با هماهنگی بیشتر در عرصه انتخابات حضور پیدا کنند و فعالیت سیاسی از طریق احزاب را یگانه مسیری می دانند که از طریق آن امکان دسترسی به قدرت را دارند. به همین علت است که شما می بینید تلاش کرده اند دور هم جمع شوند. همین جبهه اصلاحات که تشکیل شده، سال هاست که مهمترین و اصلی ترین جبهه سیاسی در جناح چپ است. اگر چه شاید در زمان انتخابات، بعضی اوقات دوا به لیست از سوی اصلاح طلبان وجود داشته اما همیشه لیست اصلی، از سوی جبهه اصلاحات معرفی شده است. این یکی از دلایل اصلی است که تبدیل به عامل ضعف در اصول گرایان و از آن طرف، تبدیل به عامل قدرت در اصلاح طلبان شده است.

«این روزهای یکی از اخباری که در حوزه احزاب شنیده می شود، اعلام موجودیت یک حزب جدید در بین اصول گرایان که همسو و هم راستا با تندروهای آنها است، می باشد. تحلیل شما از این ماجرا چیست؟

ما در بین جریان اصول گرا با افتراق

افشین حبیب زاده، فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی خانه کارگر، در گفت و گویی که با هم میهن داشت علت تولد حزب های متعدد در بین اصول گرایان را اختلاف نظرهای ریشه دار و افتراق گسترده آنها می داند. او معتقد است که تولد حزب جدید هم در همین راستا قرار دارد و تندروها قصد دارند با اصول گرایان واقع گرا تفکیک مرز کرده و از بین قشر مذهبی - سنتی، طرفدار پیدا کنند.

«به عنوان اولین سوال، تحلیل شما از تعداد بالای احزاب ثبت شده در ایران چیست؟

من به عنوان شخصی که سال هاست کار حزبی انجام می دهم، اعتقاد دارم که این رویه ای که در کشور ما وجود دارد، رویه غلطی است. رویه اینطور شده است که افراد برای انجام دادن فعالیت سیاسی به جای اینکه به حزبی اضافه شوند که به خط فکری آنها نزدیک است، چند نفر دور هم جمع می شوند و یک حزب تشکیل می دهند. در روند بررسی این موضوع، می توان به چند علت مختلف اشاره کرد. یکی از دلایل این است که این موضوع ریشه فرهنگی دارد و این ریشه در این است ما از روحیه همکاری بسیار ضعیفی برخوردار هستیم و متأسفانه این روحیه ضعیف، باعث می شود در صورت وجود اختلاف نظر، کمتر یکدیگر را تحمل کنیم. به عبارت دیگر، نداشتن روحیه همکاری منجر به این می شود که ما کمتر کنار هم بنشینیم و دیدگاه هایمان را به هم نزدیک کنیم و به همین علت روی دیدگاه هایی که خودمان داریم پافشاری می کنیم و سعی می کنیم به هر ترتیب ممکن، آنها را به کرسی بنشانیم. در واقع ما خیلی علاقه ای به گفت و گو با هم نداریم. همه اینها دست به دست هم می دهد که ما نتوانیم یکدیگر را تحمل کنیم و ترجیح می دهیم در فضایی باشیم که همه هم نظر با ما باشند. علت دیگری که در این زمینه می توان اشاره کرد، این است که کار ویژه حزب به صورت کلی، دستیابی به قدرت است تا از آن طریق بتوان به عقاید خودشان جامعه عمل ببوشانند. تمایل به حضور در قدرت طبیعی است اما وقتی احساس کنند در صورت حضور و ادغام در دیگر احزاب، نمی توانند در قدرت حضور پیدا کنند، منجر به این می شود که خودشان دست به تشکیل حزب بزنند. در واقع فکر می کنند که از این طریق، امکان بیشتری برای دستیابی به قدرت دارند تا اینکه به احزاب دیگر اضافه شوند. این دو علت، دلایلی جدی است که می توان به صورت جداگانه درباره هر کدام از آنها حرف زد.



محمد مهاجری

تحلیل گر سیاسی اصولگرا:

تاسیس حزب در ایران آسان تر از تاسیس ساندویچی است

محمد مهاجری، تحلیل گر سیاسی و روزنامه نگار اصول گرا می گوید از تاسیس هر حزبی در ایران استقبال می کند، ولو اینکه این حزب توسط ورشکستگان سیاسی تاسیس شده باشد. او می گوید یکی از دلایل اصلی زیاد بودن تعداد احزاب در ایران به بحث آسان بودن قوانین تاسیس حزب برمی گردد.

«اخیرا خبری منتشر شده است که حزب دیگری در بین اصول گرایان تشکیل خواهد شد. تحلیل تان از این اقدام چیست؟

من از تاسیس هر حزبی در ایران استقبال می کنم، ولو اینکه آدم های دولت آقای رئیسی این حزب را تشکیل دهند. تازه من پیشنهاد می دهم که اینها اسم حزبی که می خواهند درست کنند را «ورشکستگان سیاسی» بگذارند.

«به نظر شما هدف آنها از تشکیل این حزب چیست؟

این سوال را باید خودشان جواب دهند. به نظر من بهترین توصیفی که درباره جریان آقای رئیسی صورت گرفت، همان «گزارش های پوچ و مهمل» بود. این حرف هایی که این روزها می زنند، کلاً پوچ بافی و مهمل بافی است. اتفاقاً من دوست دارم این کارها را در قالب یک حزب سیاسی انجام دهند که بعداً به جامعه پاسخگو باشند. الان عادت کرده اند، یک حرفی را می زنند و مسئولیتش را هم قبول نمی کنند ولی وقتی که حزب باشند، مجبور هستند که مسئولیت پذیر باشند. از این جهت من واقعاً استقبال می کنم.

«اگر این حزب تشکیل شود، روی چه مواردی قرار است مانور دهند تا با استفاده از همان موارد بتوانند برای حزب خود هوادار جمع کنند؟

همیشه که قرار نیست آدم هایی که می خواهند کارهای خوب انجام دهند، حزب بزنند. یک عده آدم هایی هم می خواهند دور هم باشند، تفریح کنند و با هم سرگرم باشند. تشکیل حزب های بیکاران سیاسی و یا ورشکستگان سیاسی و یا سرگرمی های سیاسی هم چیزهای خوبی است. ما در عالم سیاست به کارهای فان (طنز) هم نیاز داریم، دوستان هم همه اهل کارهای فان هستند.

«به این نکته اشاره کردید که از تاسیس هر حزبی در ایران استقبال می کنید. اما موضوع این است که ما تعداد زیادی حزب داریم که عملاً احزاب کاغذی هستند و تعداد احزاب فعال ما خیلی کمتر از تعداد ثبت شده در وزارت کشور است.

اشکالی ندارد. ما مثلاً در ایران ۴۰۰ حزب بیکار داریم، یکی دیگر هم به احزاب بیکار ما اضافه شود.

«سوال من این است که واقعاً این روند درست است که ما این همه حزب به قول شما بیکار داشته باشیم که موقع انتخابات هم که شد سهم بخواهند؟

تعداد بالای احزاب بیکار، متأسفانه به قوانین ما برمی گردد و این نکته که ما در تاسیس حزب، قوانین ساده انگارانه ای داریم. در ایران افراد برای اینکه حزب بزنند، به مراتب قوانین ساده تر از این است که شما بخواهید بروید و یک مغازه ساندویچی بزنید. تا وقتی که تاسیس حزب از راه انداختن یک مغازه راحت تر است، همین می شود که همه می آیند و همین اقدام را انجام می دهند. در حالی که در عالم واقع، ما اگر بخواهیم در این مملکت حزب داشته باشیم، در جامعه ما بیشتر از دو یا سه حزب اصلی نیاز نداریم که آن احزاب بتوانند خطه ی کنند و چترشان بر سر یک اکثریت گسترده ای پهن شود. در حال حاضر، بسیاری از احزاب حتی یک دفتر ندارند. بعضی از این احزاب که اصلاً شما اسم اعضای شورای مرکزی شان را هم در گوگل سرچ کنید، به نتیجه ای نمی رسید که چه آدم هایی در شورای مرکزی آنها حضور دارند. حتی خیلی از احزاب معروف ما هم برخی از اعضای شورای مرکزی شان را کسی نمی شناسد. حالا دیگر احزاب غیر معروف که دوره می افرادی است که وجاهت سیاسی و اقتصادی هم ندارند که جای خود دارد.